

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال پنجم، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۹۳

صفحات: ۶۹-۷۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۱/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۲۸

هویت اجتماعی زن از دیدگاه شهید مطهری

سپیده سپهری*

چکیده

این گفتار به مبانی فکری استاد شهید، مرتضی مطهری، و نگرش او به حقوق فردی و اجتماعی زن در جامعه می پردازد. در این نوشتار با تکیه بر برخی نوشته ها، سخنرانی ها و یادداشت های این معلم بزرگوار، جایگاه انسانی زن، بویژه هویت اجتماعی او، مورد بررسی قرار گرفت. بررسی ها نشان می دهد که از دیدگاه استاد، در گذشته به «انسان» بودن زن توجه نمی کردند و فقط متوجه «زن» بودن او بودند و از طرف دیگر در دوره مدرن به خاطر توجه شدید به انسان بودن یا زن، «زن بودن» وی مورد غفلت قرار گرفته است. استاد شهید مرتضی مطهری، با توجه به حضور موثر زنان در عرصه های مختلف جامعه و تأثیرگذاری آنان بر فعالیت های اجتماعی مردان، زن را وجودی با هویت اجتماعی متعالی قلمداد می کند و با تأسی از آیات قرآنی و احادیث و تعالیم اسلامی برای زن، جدا از جنسیت او، ارزش و اعتبار فردی و اجتماعی والایی قائل است.

کلید واژگان: زن، هویت اجتماعی، شهید مطهری.

مقدمه

به نام خداوندی که زن و مرد را آفرید تا در کنار یکدیگر به تکامل و آرامش برسند. زن به عنوان نیمی از بشریت و عضوی جدی در کانون بزرگ جامعه انسانی و نیز به عنوان یکی از دو رکن پدید آورنده بنیان خانواده، در طول تاریخ، دآوری های گوناگونی را نسبت به خود دیده است و شرایط بسیار ناهمگون و نامساوی را پشت سر نهاده است. نگاهی گذرا به تاریخ چنین می نماید که زن در بیشتر جوامع از نوعی محرومیت رنج برده است و حقوق انسانی او تحت سلطه و سیطره مردان و فرهنگ مردسالاری تضییع شده است.

در فضای پرتحوّلی که بیشتر ابعاد زندگی و فرهنگی و روابط انسانی و اجتماعی دستخوش تغییرات و تجدید نظرهای بنیادی قرار گرفته است، بی تردید نگاه عطشناک و تحوّل طلب و انتقادگر نسل حاضر متوجه آموزه های دینی و قرآنی شده و تلاش میکند تا پاسخ پرسش های زیر را بیابد:

از دیدگاه قرآن زن چگونه موجودی است؟ آیا زن از جهت شرافت و حیثیت انسانی با مرد برابر است؟ دین برای زن و مرد، یک نوع حقوق و وظیفه و یا کیفر قرار داده، یا تبعیض و تفاوت قائل شده است؟ آیا وضع قوانین نسبت به زن و مرد یکسان و مشابه است؟ نگرش دین به زن همراه با تکریم است یا تحقیر؟ این بحث ها در زمان مرحوم استاد، شهید مطهری، مطرح بوده است. به تعبیر استاد مطهری:

«زن و مرد دو ستاره اند در دو مدار مختلف؛ هر کدام باید در مدار خود و فلک خود حرکت کند... شرط اصلی سعادت هر یک از زن و مرد در جامعه، این است که دو جنس هر یک در مدار خویش به حرکت خود ادامه دهند. آزادی و برابری آن گاه سود می بخشد که هیچ کدام از مدار و مسیر طبیعی و فطری خویش خارج نگردند» (مطهری، ۱۳۷۳، ۲۵)

هدف از این پژوهش این است که تا با تکیه بر مبانی فکری استاد شهید در رابطه با زن و موقعیت او در جوامع مختلف، به این سؤال پاسخ داده شود که مبانی فکری استاد مطهری چه تأثیری بر نحوه نگرش ایشان به حقوق و ارزش و هویت فردی و اجتماعی زن دارد؟

نگاهی به ارزش و هویت زن در جامعه اسلامی:

در دهه های اخیر، در اثر گسترش روابط اجتماعی، تحولاتی در زمینه های فرهنگی روی داده که موجب دگرگونی نقش های اجتماعی شده است. افزایش تحصیلات و اشتغال در میان زنان از سویی سبب کاهش مطلوبیت الگوی زن سنتی می شود و از سوی دیگر سبب دشواری در هماهنگ کردن نقش های سنتی با نقش های جدید شده و به بحران هویت زنان منتهی می گردد.

بایستی متذکر شد که «شاخص هایی نظیر اعتماد به نفس، گستره شبکه ارتباطی افراد، میزان رضایت از خود در اجتماع و میزان عقلانیت، عوامل مؤثر بر شکل گیری هویت اجتماعی می باشد و این هویت اجتماعی خود از پنج بخش هویتی: دینی، قومی، ملی، گروهی و جنسی تشکیل شده است» (زیبا کلام، ۱۳۷۱، ص ۸۳).

«هویت اجتماعی در دوره مدرنیته یا مدرن یا غیر سنتی چیزی نیست که سنت یا عادت به طور

قطعی آن را تعیین کرده باشد، بلکه در دوره مدرن هویت اجتماعی و فردی به طرحی تبدیل می شود که باید توسط خود فرد به صورت "بازتابی" ایجاد و ساخته و تعریف شود. بنابراین به طور خلاصه هویت اجتماعی در اینجا خصوصیات اجتماعی، عقاید، ارزشها، رفتارها و نگرش های متمایز گروه های اجتماعی است و تعریفی که فرد بر مبنای عضویت در گروه های اجتماعی و به صورت بازتابی از خود ارائه می دهد...» (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۴۴)

بنابراین مفهوم هویت اجتماعی دال بر وجود مجموعه رفتارهای سازمان یافته بین گروه هایی است که به لحاظ اجتماعی و به صورت یکسان و مشابه انجام می گیرد و شناسایی هویت اجتماعی تلاشی است برای تحلیل الگوهای تکرار پذیر و کنشها و نگرشهایی که در گروه های اجتماعی وجود دارد. پس هویت اجتماعی اساساً از طریق مقایسه های اجتماعی شکل می گیرد. بنابراین اگر برای فرد جایگاه ویژه ای تعریف شود که تنها در مقایسه بادیگران معنا یابد، هویت اجتماعی او تعریف شده است.

مسئله هویت زنان در جامعه با ورود دختران به عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نمود پیدا کرده است که می توان به اهم آنها اشاره کرد:

- ادامه تحصیل دختران تا سطح دانشگاه که با افزایش ورود دختران در سالهای اخیر به دانشگاه و ادامه تحصیل آنها تا سطح تحصیلات تکمیلی جلوه ملموس تری به خود گرفته است.
- حرکت دختران به سوی کسب استقلال مالی و فردی که با اشتغال به کار آنان در خارج از خانه و در بخش های گوناگون اقتصادی - دولتی و خصوصی در سالهای اخیر نمود یافته است.
- ظهور ادبیات زنانه که در آثار نویسندگان کتاب هایی که در مورد وضعیت زنان نوشته شده و آثار فرهنگی همچون فیلم های سینمایی هویدا است.
- در این آثار به مسایل زنان چون تنهایی روحی، انزوای اجتماعی، عدم امکان تصمیم گیری مستقل، حتی در مورد ازدواج و ... پرداخته شده است.
- همه اینها نشانه وقوع تغییرات اجتماعی و فرهنگی گسترده در وضعیت عمومی دختران و زنان و به چالش کشیده شدن موقعیت اجتماعی آنها در جامعه است که از مهمترین پیامدهای آن تضعیف تمام شالوده ها و ساختارهای سنتی حاکم بر جامعه است که مانع هر گونه فعالیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زنان در جامعه بود.

هویت اجتماعی زن از دیدگاه قرآن و اسلام

از نظر قرآن بین زنان و مردان طی مسیر تکامل انسانی و هویت انسانی، رشد استعدادها، طلب علم و منزلت های اکتسابی و بسیاری از اموری که لازمه تعالی و رشد فرد و اجتماع است هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد استاد مطهری می فرماید:

«اگر بخواهیم ببینیم نظر قرآن درباره خلقت زن و مرد چیست لازم است به مسئله سرشت زن و مرد توجه کنیم؛ قرآن در این مورد سکوت نکرده است و با کمال صراحت در آیات متعددی می فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده ایم؛ در اسلام نظریه تحقیر آمیزی

نسبت به زن از لحاظ سرشت و طبیعت وجود ندارد؛ قرآن در آیات فراوانی تصریح کرده است که پاداش اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نیست، به ایمان و عمل مربوط است، خواه از طرف زن باشد یا از طرف مرد؛ قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی از یک زن بزرگ و قدیسه یاد می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۳، ۹۴).

از دیدگاه اسلام زن تا چه اندازه در جامعه زمینه نقش آفرینی دارد و محدوده مشارکت اجتماعی زنان و حضور عینی آنان در جامعه تا کجاست؟ آیا اسلام اجازه داده است که زنان اداره اجتماع را عهده دار شوند و آیا زن می‌تواند مسئولیت‌های سیاسی اجتماعی جامعه را به عهده گیرد؟ استاد مطهری در جایی دیدگاه اسلام را نسبت به این مقوله چنین بیان می‌کند:

« آنچه اسلام می‌گوید، نه آن چیز است که مخالفان اسلام، اسلام را بدان متهم می‌کنند؛ یعنی محبوبیت زن در خانه... حبس کلی زن در خانه نوعی مجازات بوده که به طور موقت در اسلام برای زنان بدکار مقرر شده است...» (مطهری، ۱۳۷۳، ۱۳۸)

با اینکه موضوع مشارکت اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اما با نگاه همه جانبه و دقیق مورد پژوهش قرار نگرفته است؛ با بررسی این مسئله از زاویه عقل و قرآن می‌توان به نتایج اساسی زیر دست یافت:

عقل، مشارکت همه جانبه زنان را تأیید می‌کند.

قرآن و حدیث همواره زن و مرد را دارای هویت واحدی می‌شمارد که هر دو به یکسان قابلیت تکامل و رشد را دارند.

زنان از دو جنبه انسانی و مؤنث بودن برخوردارند؛ شریعت اسلامی در روابط اجتماعی بر بعد انسانی زن تکیه دارد و آن را قابل تفکیک از زنانگی محض می‌داند و به منظور تفکیک این دو در هنگام حضور در جامعه رعایت آدابی را برای زن و مرد مقرر کرده است.

بررسی سوره و آیات قرآن نمایانگر وضعیت زنان در عصر جاهلیت است. آیات قرآن ترس از فقر را یکی از عوامل خواری زنان و دختر کشی بیان می‌کند:

خداوند در آیه «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ امْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيراً» (سوره اسراء آیه ۱۶). تصریح می‌فرماید:

« فرزندان خود را از ترس فقر به قتل نسانید، ما روزی دهنده شما و آنها هستیم، زیرا قتل گناه بسیار بزرگی است.»

خشم خداوند از این اعمال شوم در آیات ۸ و ۹ سوره تکویر تجلی کرده است، به گونه‌ای که می‌فرماید:

« وَاِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ، بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ... هنگامی که از دختران زنده به گور شده باز پرسند که آن بی گناهان را به چه گناهی کشتند» (سوره تکویر، آیات ۸ و ۹).

سور و آیات قرآن کریم بهترین ادله برای درک حقوق انسانی می‌باشد.

سوره نساء یکی از این سور است که مشتمل بر حمایت از یتیمان، احکام ازدواج، تعیین حقوق مالی و

تجاری مردم، حقوق ارث و حقوق اجتماعی زنان است.

خداوند در سوره نساء ابتدا موضوع خلقت بشر را مطرح می نماید:

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا » (سوره نساء آیه ۴).

مراد از «نفس واحد» آدم و مقصود از «زوجها» زن او می باشد، به این ترتیب با ذکر این نکته که زن از جنس مرد می باشد در پس ارزش بخشیدن به زن و رهایی وی از ظلم و ستم مردان است.

سپس خداوند درباره مهر زن سفارش می فرماید و با خطاب:

« وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَتَهُنَّ نَحْلَهُ » (سوره نساء آیه ۴) آزادی زنان را در مالکیت حقوق و منافع آنها

تضمین می کند.

شناخت بینش قرآن نسبت به هویت واقعی زن مبنی بر شناخت جایگاه انسان در قرآن است. به طور کلی کیفیت شمول خطاب های الهی که خداوند بر طبق آن تکالیف و احکام زنان و مردان را بیان می کند، حاکی از فلسفه آفرینش و ارزش شخصیت انسانی آنها می باشد. قرآن در سیر تکاملی و عبادت، زن و مرد را در کنار یکدیگر قرار می دهد، تبلور این واقعیت را می توان در آیه ذیل مشاهده کرد:

« إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا. » (سوره احزاب آیه ۳۳).

در تمام موارد ده گانه عبادت و بندگی یعنی اسلام و ایمان، قنوت، صداقت، صبر، خشوع، تصدیق، روزه، عفت و ذکر، زن در کنار مرد دارای مقام و مرتبت یکسان است.

بخش دیگری از آیات حاکی از استقلال اقتصادی زن است و او را از همان اختیارات که مرد در مورد اموالش دارد برخوردار می کند:

« لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ » (سوره نساء آیه ۳).

در سوره مبارکه حجرات نیز می فرماید:

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ » (سوره حجرات، آیه ۱۷). در این آیه کریمه ضمن یک دستور اخلاقی، به فلسفه آفرینش خاص انسان اشاره می کند.

بنابراین در میان اندیشه های مختلف، توجه شارع مقدس به زن قابل تعمق است. به طور کلی تأکید قرآن بر روی برخی مسایل نمایانگر اهمیت خاص آنهاست.

آنچه قابل توجه است این است که نقش آفرینی و مسئولیت پذیری انسان در جامعه از دیدگاه قرآن و حدیث تنها اختصاص به مردان ندارد، بلکه زنان هم در این راستا سهم قابل توجهی را در اجتماع دارند. بنابراین زنان به عنوان بخش مهمی از پیکر اجتماع، حامل بار سنگین مسئولیت های خانوادگی و اجتماعی هستند.

هویت اجتماعی زن از دیدگاه شهید مطهری :

استاد مطهری، هستی را از آن خدا می داند، به تبع آن، مبنای حقوقی زنان، خدا، وحی و پیامبر است. ایشان نظام حاکم بر جهان را بر اساس نظریه حقوق طبیعی تبیین می کند. این نظریه بیانگر این حقیقت است که حقوق افراد یک قرارداد ساده نیست، بلکه ریشه در واقعیت های تکوینی و ظرفیت های انسانی دارد. استاد مطهری، تحت تأثیر مبانی هستی شناسی اش انسان را خلیفه خدا در زمین می داند و هویت زن و مرد را در کمالات انسانی مشترک می بیند و تأکید می کند: «گرچه هویت انسانی زن و مرد مشترک است ولی تفاوت های بسیاری بین زن و مرد وجود دارد، (مطهری، ۱۳۶۷، ۴۵).

تبیین جایگاه و ارزش واقعی و حقیقی مبتنی بر قرآن و طبیعت زن مدنظر استاد بوده است که برای دستیابی به این مهم می فرمایند:

«اینکه ما مدعی هستیم مسئله نظام حقوقی زن در خانواده و اجتماع از مسائلی است که مجدداً باید مورد ارزیابی قرار گیرد به این معنی است که اولاً طبیعت را راهنمای خود قرار دهیم؛ ثانیاً از مجموع تجربیات تلخ و شیرین حداکثر بهره برداری را بنماییم و تنها در این وقت است که نهضت حقوقی زن به معنی واقعی تحقق می یابد» (مطهری، ۱۳۷۳، ۲۳).

بدلیل منطق متعادل اسلام در ارتباطات اجتماعی که نه مانع حضور زنان است و نه مانع های دروغینی را که غرب بزرگنمایی می کند، مانع واقعی می داند؛ بلکه تشویق زنان جهت حضور اجتماعی مؤثر و ضابطه مند بدون اختلاط و حریم شکنی از نظر استاد بسیار قابل دفاع است.

ایشان فرمودند: «جامعه اسلامی بدون شرکت زنان قابل دوام نیست.» (مطهری، ۱۳۶۷، ۲۷).

استاد علیرغم اصرار و تأکید بر لزوم حضور اجتماعی زنان بر اساس اندیشه های اسلامی و رهبری انقلاب نکته ای را بارها در مطالب و نوشته های خود تکرار نموده اند و آن کیفیت حضور زنان است، بر اساس نظرات استاد زنان هم در شکل گیری و هم در پیروزی، نقش مستقیم در جریان نهضت اسلامی اخیر داشته اند. مانند صدر اسلام که زنان هم در بعد تربیت فرزندان و همراهی حضور همسران در جنگ یاریگر حضرت رسول بودند و هم زنانی مانند «نسیبه جراح» در صحنه های جهاد مستقیم نقش داشته اند. به حق، همین الگوهای ملموس تاریخی و مذهبی است که استاد را جرأت می بخشد از منطق متعادل اسلام دفاع کند، ویژگی سهم بودن زنان در انقلاب و مقوله های اجتماعی را یادآور شود و حتی سهم بانوان را عظیم تر از سهم مردان شمرده و بفرماید:

«به نظر می رسد این چنین نقش تاریخی برای زن در جهان بی سابقه است» و به همین جهت ایجاب می کند که تحقیق کنیم چه عواملی موجب گشت، که زن بار دیگر علاوه بر صدر اسلام در صحنه تاریخ ظاهر شود و تاریخ را از مذکر بودن محض خارج کند...» (مطهری، ۱۳۶۷، ۶۸).

استاد با رویکردی فراگیر به مقوله زن از منظر مطالعات فقهی، فلسفی، و اجتماعی همراه با نگرش اصیل به اصول مدرنیته و مقتضیات زمان، شکل گیری بهترین داورها درباره زن امروز و رهیافتی عمیق و عالمانه به بایدها و نبایدهای زندگی اجتماعی زنان را موجب شده است.

شهید مطهری زمانی آثار برجسته خود را به رشته تحریر درآورد که جامعه ایران تحت تأثیر القانات

تمدن غرب و در اطاعتی چشم و گوش بسته، زن را به موجودی بی هویت تبدیل می کرد و اینجا بود که استاد یک تنه مبارزه ای چند جانبه را آغاز کرده و به نقد دیدگاه های اندیشمندان غربی پیرامون مسایل مربوط به زنان پرداخت و در اصلاح و تعدیل جامعه که روز به روز به سوی حذف الگوهای دینی سوق داده می شد، گام های بلندی برداشت.

از دیدگاه شهید مطهری زندگی اجتماعی آدمی بر خلاف زندگی حیوانات همواره دستخوش تغییر و تحول است و انسان راه خود را به کمک عقل و علم و با قوانین وضعی می پیماید و به همین دلیل در مسیر تکامل به فساد و انحراف کشیده می شود. به عقیده استاد مطهری، این دو استعداد، یعنی استعداد انحراف و تکامل از یکدیگر تفکیک پذیر نیستند.

استاد به انسان یک دید اعتدالگرایانه دارد و به این ترتیب نگرش او به مسایل زندگی نیز نه دیدگاه تجددگرایی محض است و نه نگرش سنتی.

استاد شهید بارها و بارها در آثار و سخنرانی های خود یاد آور شده اند که «در تاریخ اسلام زنان علاوه بر زاییدن مردان بزرگ، الهام بخش و نیرو دهنده و مکمل مردانگی آنها بوده اند و در بسیاری از اشعار حماسی عربی و فارسی می بینیم که دلبران در شرح حماسه های خود زنان را مخاطب قرار داده اند، گویی مرد آگاهانه و نا آگاهانه از همه دلیری و دلآوری های خود حمایت و تحسین و جلب رضایت زن را منظور داشته است» (مطهری، ۱۳۴۸، ۱۱۷). در جایی تصریح می کند: «ویژگی دخالت زن در انقلاب اسلامی ایران در این است که زن مسلمان ایرانی در عین اینکه در صحنه تاریخ ظاهر شد و مستقیماً در کار سازندگی تاریخ با مرد مشارکت کرد، پشت جبهه را رها نکرده، حیا و عفاف و پوشش را از دست نداد و کرامت و عزت زنانه خویش را محفوظ داشت.» (مطهری، ۱۳۴۸، ۲۲۶).

یکی از مهمترین پارامترهای نگاه شهید در حوزه زنان و خانواده این است که ماهیت سازمانها و نهادهای اجتماعی است، استاد در مقدمه کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» می گوید:

«مهمترین مسئله در باب مباحث مربوط به زن این نیست که آزادی ها و حقوقش با مرد مساوی باشد یا نه؛ بلکه این است که آیا نظام حقوق خانوادگی شبیه نظام حقوقی اجتماعی هست یا نه؟» (مطهری، ۱۳۷۳، ۱۱۷، ص ۱۰۲).

او طبقه بندی رایج مسایل زندگی را که به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم می شود نقض می کند و می گوید: «ما سه دسته مساله داریم: فردی، خانوادگی، اجتماعی.... پذیرش تفاوت وضع خانواده و جامعه در تحلیل مسایل مختلف زنان و مردان بسیار تأثیر گذار است. مثلاً در جامعه اصل اول برای قانون گذاری عدالت است، انسان ها اگر دنبال روابط اجتماعی با همدیگر هستند، هر کس می خواهد موقعیت بهتری برای خود فراهم آورد... پس معیار قانون اجتماعی عدالت است و عدالت یعنی تعیین حد و مرزهای افراد تا به حقوق هم تجاوز نکنند. ما در نظام خانواده زن و مرد رابطه شان رابطه مکملی است نه افتراق، و در آنی نوع رابطه هر دو طرف برای هویت خودشان به یکدیگر نیاز دارند، نه فقط برای رفع نیازهای خارجی شان، لذا اصل اول نظام حقوقی خانواده وحدت است نه عدالت؛ یعنی در خانواده تمام برنامه ریزی ها باید به گونه ای باشد که وحدت حاصل شود نه عدالت...» (مطهری، ۱۳۵۱، ۱۱۶ و ۱۱۷) استاد تبیین حقوق

دینی و مسایل اجتماعی را وجهه همت خود قرار داد، در عصر دین ستیزی و دین گریزی توانستند با بیان روان و متین و مستدل خود موج بازگشت به دین و معنویت را گسترش داده و ژرفا بخشند. در دوران ستمشاهی و حاکمیت فرهنگ طاغوتی غرب گرا مباحث مربوط به مقام و حقوق زن و هویت فردی و اجتماعی او به شدت مورد توجه قرار گرفته و غرب به عنوان مدافع حقوق و شخصیت زن و اسلام به عنوان مخالف و ضایع کننده مقام و ارزش او معرفی می گردد، اینجا بود که استاد بیان معارف و احکام متین و عادلانه اسلام در مورد مقام و ارزش و هویت واقعی زن را ضروری تشخیص داد و طلایه دار این بحث ارزشمند در قرن جدید گشت.

داستان تدوین مجموعه «نظام حقوق زن در اسلام» به خوبی بیانگر این دیدگاه استاد و حقانیت آن است. استاد زمانی به تبیین اسلام ناب در دفاع از مقام و موقعیت و هویت زن پرداخت که در تفکر جاهلیت مدرن طاغوتی و جمود و تحجر به مثابه دو تیغه قیچی به منزوی کردن اسلام و روی گردان ساختن عموم از آن همت گماشته بودند. جاهلیت مدرن، پیشرفت و ترقی را در بی حجابی، لاقیدی، کنار زدن احکام دین و... معرفی می کرد و تحجر نیز اسلام را خواستار خانه نشینی زن و اکتفای او به نقش مادری و همسری و محروم از بسیاری حقوق می نمایاند. و این خود بهانه طرفداران غرب و فرهنگ طاغوتی بود تا زنان را به روی گردانی از دین سوق دهد.

با توجه به این مقوله، تحقیقات استاد پیرامون هویت و شخصیت زن در دو جهت سامان گرفت. در جهت دفاع از معارف و احکام اسلام در مقابل تهاجم غرب گرایان که عهده آن در قالب «نظام حقوق زن در اسلام» چاپ شده است.

در جهت تبیین صحیح احکام و وظایف زن از دیدگاه اسلام که بخش مهم آن در قالب مسئله حجاب چاپ شد و بخش دیگری در قابل سخنرانی و تحقیقات نیمه تمام بود که بعدها به صورت مختلف در مجلات منتشر شد.

نتیجه گیری

با نگاهی اجمالی به آثار و اندیشه های استاد مطهری می توان نتیجه گرفت: او زن را عنصری برای فریب و گناه قلمداد نمی کند، بلکه تحت اوامر الهی و آیات قرآنی، او را مایه سکوت و آرامش خانواده می داند.

مبنای اندیشه استاد مطهری پیرامون زنان بر اساس نظام حقوقی آنهاست که این نظام نیز ریشه در هستی شناسی و انسان شناسی دارد.

استاد استفاده ابزاری از زن را که در جوامع غربی در راستای تبلیغات انجام می شده، کاملاً رد می کند و او را از حیث شرافت و ارزش انسانی با مردان برابر می داند.

از دیدگاه استاد، زنان نقش سازندگی تاریخی خود را مدیون اخلاق ویژه زنانه یعنی حیا، عفاف و تقوی هستند.

به نظر شهید مطهری نابسامانی های زن در قبل از انقلاب معلول این جهت بود که انسانیت او به

فراموشی سپرده شده بود.

استاد برای اثبات جایگاه والای زن، قرآن را بهترین و معتبرترین و صادق ترین سند می شناسد و با توجه به آیات قرآنی میزان آزادی و حقوق فردی و اجتماعی زن را مشخص می کند.

منابع

- قرآن کریم - به خط و ترجمه استاد الهی قمشه ای.
- زیبا کلام، صادق. (۱۳۷۱). ما چگونه ما شویم؟ انتشارات روزنه، چاپ دوم، تهران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۴۸). اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، انتشار محمدی، تهران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۷). انسان کامل، انتشارات صدرا، تهران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۱). مسئله حجاب، انتشارات صدرا، تهران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). نظام حقوقی زن در اسلام، انتشارات صدرا تهران.